

کارکرد معنایی طیف رنگ سرخ و سبز در اشعار حسین منزوی

زهره صفایی^۱، سعید فرزانه فرد^۲، بهروز اظهري^۱

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سراب، دانشگاه آزاد اسلامی، سراب، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: farzaneh@iau.ac.ir

چکیده

رنگ برجسته‌ترین عنصر در حوزه محسوسات است و از دیرباز مورد توجه انسان قرار داشته و روح و روان او را مسحور قدرت نفوذ خویش ساخته است. شعر، گزینش واژه است و بی‌گمان انتخاب رنگ‌ها در شعر می‌تواند بیانگر دیدگاه وی نسبت به جهان و پدیده‌های آن باشد و بررسی بسامد واژگان رنگی می‌تواند ما را با ویژگی‌های خلقی و رفتاری شاعر آشنا سازد. هدف از پژوهش حاضر، بررسی کارکرد معنایی طیف رنگ سرخ و سبز در اشعار حسین منزوی است. روش تحقیق در پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است و جهت جمع‌آوری اطلاعات از روش فیش برداری استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان داد که طیف رنگ سرخ نسبت به رنگ سبز در اشعار منزوی بسامد بیشتری دارد و در غزل‌های عاشقانه برای توصیف معشوق و اشتیاق و شور منزوی در وصال معشوق مورد استفاده قرار گرفته و از طرفی در اشعار آیینی و مقاومت نمادی از رنگ خون، جنگ و مبارزه است. رنگ سبز نماد طبیعت، پاکی، آرامش و رشد است و در اشعار منزوی برای توصیف پاکی معشوق، صلح، قداست ائمه، شهدا و عرفا و همچنین نشاط و رشد موجود در طبیعت به کار رفته است.

کلیدواژگان: کارکرد، رنگ، سرخ، سبز، اشعار، حسین منزوی



شیوه استناددهی: صفایی، زهره، فرزانه فرد، سعید، و اظهري، بهروز. (۱۴۰۳). کارکرد معنایی طیف رنگ سرخ و سبز در اشعار حسین منزوی. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۲(۱)، ۲۲۰-۲۰۵.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۹ بهمن ۱۴۰۲

تاریخ بازنگری: ۸ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۵ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۳۰ خرداد ۱۴۰۳

The Treasury of Persian Language and Literature

Semantic Functions of the Red and Green Color Spectra in the Poetry of Hossein Monzavi

Zahra Safaei¹, Saeed Farzaneh Fard^{1*}, Behrouz Azhari¹

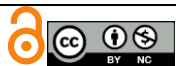
1. Department of Persian Language and Literature, Sarab Branch, Islamic Azad University, Sarab, Iran

*Corresponding Author's Email: farzaneh@iau.ac.ir

Abstract

Color is the most prominent element in the realm of sensory perception and has attracted human attention since ancient times, captivating the human psyche through its profound power of influence. Poetry is an art of word selection, and undoubtedly, the choice of colors in poetry can reflect a poet's perspective on the world and its phenomena. Examining the frequency of color-related words can also provide insight into the poet's temperamental and behavioral characteristics. The present study aimed to examine the semantic functions of the red and green color spectra in the poetry of Hossein Monzavi. The study employed a descriptive-analytical research method, and data were collected using the note-taking method. The findings indicated that the red color spectrum occurs more frequently than the green spectrum in Monzavi's poetry. In his lyrical love poems, red is employed to describe the beloved as well as Monzavi's longing, passion, and ardor for union with the beloved. Conversely, in his religious and resistance poetry, red functions as a symbol of blood, war, and struggle. Green symbolizes nature, purity, tranquility, and growth and is used in Monzavi's poetry to represent the purity of the beloved, peace, the sanctity of the Imams, martyrs, and mystics, as well as the vitality and growth inherent in nature.

Keywords: *function, color, red, green, poetry, Hossein Monzavi*



How to cite: Safaei, Z., Farzaneh Fard, S., & Azhari, B. (2024). Semantic Functions of the Red and Green Color Spectra in the Poetry of Hossein Monzavi. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 2(1), 205-220.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 29 January 2024

Revise Date: 28 May 2024

Accept Date: 04 June 2024

Publish Date: 19 June 2024

مقدمه

در آفرینش‌های هنری و از جمله آن‌ها تصویرگری‌های شاعرانه، رنگ جایگاه مهم و چشمگیری دارد. رنگ پدیده‌ای بصری است که عرصه کاربرد آن پهنه جهان هستی است و در ادبیات نیز کارکردهای هنری فراوانی دارد. رنگ یکی از مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده تصویر ادبی است؛ زیرا به همه ابعاد زندگی مربوط می‌شود، دنیای رنگ‌ها بسیار گسترده است و رنگ، مفاهیم عمیق و گسترده‌ای را منتقل می‌کند و نمادها و مفهومی‌های بسیاری را در خود حمل می‌کند که همه با فرهنگ، زمان و مکان رابطه نزدیک دارد (1).

شعرا در آفرینش آثار خود، گاه رنگ را به سبب زیبایی‌های حسی به کار می‌گیرند و گاه مفاهیم نمادین رنگ‌ها را مورد توجه قرار می‌دهند تا از این راه مفاهیم ذهنی خود را به کمک رنگ‌ها به تصویر بکشند. در این بین، نگاه عمیق و وسعت دید شعرای معاصر در کنار آگاهی آن‌ها از اثرات روان‌شناختی مختلف رنگ‌ها سبب شده که رنگ‌ها در اشعار آن‌ها جلوه و نمود بیشتری پیدا کند (2). بنابراین، انواع رنگ‌ها در دنیای شعر و ادبیات از معانی حسی خود بالاتر می‌روند و معانی ثانویه و مجازی متعددی را کسب می‌کنند. رنگ‌ها نقطه اتصال عالم محسوسات با دنیای درونی انسان هستند و با مشاهده رنگ‌ها، احساساتی در درون شاعر برانگیخته می‌شود؛ زیرا رنگ‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی شخصیت شاعر دارند (3). رنگ‌ها در اشعار شعرا، نمادهای روان‌شناسانه‌ای هستند که خواننده با آن می‌تواند سروده شاعر را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد و بازتابی از شخصیت او را نشان می‌دهد.

حسین منزوی یکی از شعرای مطرح معاصر، به‌ویژه در نوع غزل است که رنگ‌ها در اشعار او حضور مؤثر و متنوعی دارند. وی در اول مهر سال ۱۳۲۵ در زنجان متولد شد. در سال ۱۳۴۴ وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد، ولی پس از مدت کوتاهی این رشته را رها کرده و به ادامه تحصیل در رشته جامعه‌شناسی

پرداخت تا این‌که نهایتاً در سال ۱۳۵۸ موفق به اخذ مدرک کارشناسی شد. او مشاغلی از قبیل ویراستاری، اجرا در رادیو و تدریس خصوصی را تجربه کرد؛ اما به‌خاطر روحیات خاص در هیچ‌کدام دوام نیاورد. در سال ۱۳۵۴ ازدواج کرد و در سال ۱۳۶۰ از همسر خود جدا شد و تا پایان عمر در کنار پدر و مادر گذراند و در سال ۱۳۸۳ در تهران فوت کرد (4). از مهم‌ترین آثار او می‌توان به حنجره زخمی تغزل (۱۳۵۰)، صفر خان (۱۳۵۸)، ترجمه منظوم حیدر بابا (۱۳۶۹)، با عشق در حوالی فاجعه (۱۳۷۱)، از شوکران و شکر (۱۳۷۳)، با سیاوش از آتش (۱۳۷۴)، از ترمه و تغزل (۱۳۷۶)، از کهربا و کافور (۱۳۷۷)، با عشق تاب می‌آوردم (شعر نیمایی) (۱۳۷۷)، به همین سادگی (شعر سپید) (۱۳۷۹)، از خاموشی‌ها و فراموشی‌ها (۱۳۸۱) اشاره کرد.

درباره رنگ در شعر حسین منزوی، تنها اثر موجود، مقاله «کارکرد معنایی رنگ آبی در شعر محمد الماغوط و حسین منزوی» است که در نخستین همایش ملی پژوهش‌های شعر معاصر عربی در آبان ۱۳۹۷ در دانشگاه شهید مدنی آذربایجان به قلم «فرهاد رجبی» و «شیرین صفائی» ارائه و چاپ شده است. در آن مقاله، نویسندگان در یک پژوهش تطبیقی دیوان دو شاعر عربی (ماغوط) و فارسی (منزوی) را از جنبه کارکرد معنایی رنگ آبی مورد بررسی قرار داده‌اند. نتیجه پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بسامد رنگ در شعر دو شاعر از جایگاه ویژه برخوردار است و دو ادیب به‌طور خاص از رنگ آبی برای حرکت از واقعیت به سمت رؤیا، دستیابی به آزادی، تبیین نیاز انسان به آرامش و در نهایت، دست یافتن به حقیقت پدیده‌ها بیشتر از دیگر معانی استفاده کرده‌اند.

در حوزه پژوهش‌های مربوط به کارکرد رنگ در شعر معاصر فارسی باید از مقاله‌ای تحت عنوان «روان‌شناسی رنگ در مجموعه اشعار نیما» به قلم مهین پناهی (۱۳۸۵) اشاره کرد که در «فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی» به چاپ رسیده است. در این مقاله، نویسنده می‌کوشد با آمار بسامدی هشت رنگ کارکردی «ماکس لوشر» در

روش پژوهش

روش تحقیق در پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌های موجود با روش فیش‌برداری از مجموعه اشعار منتشرشده شاعر به همت مؤسسه نشر نگاه و با روش توصیفی-تحلیلی و روش فیش‌برداری و کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

نماد رنگ در شعر

از همان اوایل تمدن بشری از رنگ استفاده سمبولیکی صورت گرفته است و یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بصری است که همیشه همراه با بار عاطفی، احساسی و معنایی بوده است. هر رنگ به‌تنهایی یا در ارتباط با دیگر رنگ‌ها می‌تواند مفهوم خاصی را به مخاطب منتقل نماید. کاربرد رنگ در تاریخ همواره آمیخته با نوعی سمبلیسم و رمزگذاری و همراه بوده است و همچنان نیز هست. از نظر فردی نیز تنوع در ترجیح رنگی بر رنگ دیگر بین افراد جامعه بسیار معمول است که می‌توان با روان‌شناختی فردی این موضوع را مورد بررسی قرار داد. در مجموع می‌توان گفت کاربرد رنگ اهمیت زیادی در بیان بصری و تصویرسازی دارد (۵). رنگ‌ها می‌توانند نمادهایی از باورها و اندیشه جوامع انسانی باشند. گاهی به‌عنوان نشانه به کار بروند و گاهی نیز تعبیرهایی از آن‌ها صورت گیرد که ریشه در رابطه انسان با رنگ‌های طبیعت دارد و ناشی از تأثیر روانی آن بر ذهن و روح انسان است.

امروزه استفاده آسان از رنگ و در اشیا و لباس چنان گسترش پیدا کرده است که کمتر کسی می‌اندیشد در گذشته، به دست آوردن رنگ و استفاده از آن در لباس راحت نبود. «امپراطور روم برای تن کردن قبای رنگین پادشاهانه خود باید صدها حزن را قربانی می‌کرد؛ در حالی که مردم عادی در سطر زمین او به پارچه‌های پوستی، پشمی یا کتانی سفیدنشده اکتفا می‌کرده‌اند» (۶).

با گسترش استفاده از رنگ و رنگ‌آمیزی، روان‌شناسی رنگ‌ها نیز توسعه پیدا کرد. «نظام رنگ‌ها هم‌چون نظام اعداد به گستره زندگی

مجموعه اشعار نیما و مرتب کردن آن‌ها به ترتیب فراوانی به وضعیت روحی شاعر نزدیک شود.

پاشایی فخری و همکاران (۱۳۹۵)، مقاله‌ای تحت عنوان «کارکرد روان‌شناسی رنگ در مراثی خاقانی برای فرزندش» در مجله «زبان و ادبیات فارسی» دانشگاه خوارزمی به چاپ رسانده‌اند. در این پژوهش، نویسندگان کوشیده‌اند با در نظر گرفتن بسامد و کارکرد هنری هر یک از رنگ‌ها، کارکرد روان‌شناسی آن‌ها را در مراثی خاقانی برای مرگ فرزندش رشیدالدین بررسی کنند.

اهمیت و ضرورت تحقیق حاضر از این حیث قابل توجه است که امروزه در اثر بروز و شکل‌گیری بسیاری از جهت‌گیری‌های پژوهشی نو، شعر کلاسیک فارسی از اقبال کمتری برخوردار است و شاید اهمیت این پژوهش را بتوان با ظهور حسین منزوی شبیه‌سازی کرد؛ شاعری که در عصر کم‌توجهی به ساختار کهن شعر فارسی، ناگهان از دل خاک برآمد و چنان شکوهی به غزل معاصر داد که تا حد زیادی این ذهنیت که ساختار کهن قابلیت انعکاس مفاهیم نو را ندارد، تحت‌الشعاع نبوغ هنری‌اش قرار داد. از این رو، نگارنده بر آن است تا در این مجال به بررسی طیف رنگ سرخ و سبز در اشعار حسین منزوی بپردازد. در این پژوهش، ضمن بیان روان‌شناختی، معانی نمادین رنگ‌ها مورد بررسی قرار گرفته و پس از آن به بررسی تنوع و بسامد انواع رنگ‌ها در اشعار حسین منزوی پرداخته شده است.

با توجه به اهمیت درک زیبایی‌های شعر معاصر، به نظر می‌رسد استفاده از یافته‌های جدید در حوزه‌های مختلف می‌تواند در تحقق این هدف مؤثر باشد. از همین رو، تحقیق حاضر بر آن است تا با استفاده از مفاهیم مربوط به رنگ، خوانشی متفاوت از شعر منزوی ارائه دهد و ژرف‌ساخت‌های معنایی شعر او را از این دریچه به تماشا نشیند. تحقق این امر از آنجایی که تصویری نو از شعر معاصر و به‌طور خاص، غزل ارائه خواهد داد بسیار ضروری است.

اقتصادی، فکری، فرهنگی انسان و نیز ارتباط او با طبیعت مربوط می‌شود. گستره‌ای که ویتگنشتاین یک بار آن را همچون مارکس تاریخ طبیعی انسان خواند» (7). رنگ‌ها ارتباط مستقیم با روح و روان انسان دارند و می‌توانند باعث بروز حس هیجان، آرامش و احساس راحتی در مخاطبین شوند.

هر اثر بیانگر فکر، اندیشه و جهان‌بینی خالق و آفریننده آن است. شعر هم که برخاسته از اعماق احساس و عاطفه شاعر است، آینه تمام‌نمای روحیات و شخصیت شاعر محسوب می‌شود. امروزه مهم‌ترین هدف شعر و ادبیات دست یافتن به شناخت عینی از خود و جهان است تا مردم بتوانند بر این اساس به تحقق نظم مطلوب در عصر خویش دست یابند. هر انسانی متأثر از محیط طبیعی خویش است و متناسب با روحیات خویش به رنگ خاصی تمایل دارد، یا از رنگ خاصی متنفر است، بررسی این تنفر یا تمایل می‌تواند در گفتار، رفتار و نوشتار او جلوه داشته باشد. رنگ‌ها در روند شکل‌دهی شخصیت و خلاقیت یک فرد اثرگذار هستند تا جایی که گوته، یکی از بزرگان ادبیات جهان، تلاش‌ها و موفقیت‌های ادبی خود را مدیون تأثیر رنگ آبی و علاقه به آن در شخصیت خود می‌دانست (8).

نماد رنگ سرخ و سبز در اشعار منزوی

رنگ‌ها می‌توانند نمادهایی از باورها و اندیشه جوامع انسانی باشند. گاهی به‌عنوان نشانه به کار می‌روند، گاهی نیز تعبیرهایی از آن‌ها

صورت می‌گیرد که ریشه در رابطه ما با رنگ‌های طبیعت دارد و ناشی از تأثیر روانی آن بر روح و ذهن ماست. به کار بردن رنگ‌ها و اکثریت‌بخشی به آن‌ها در زبان به نشان دادن ذهن و دغدغه‌های روحی شاعر و نویسنده کمک بسیاری می‌کند؛ به عبارت دیگر، رنگ‌ها طرح‌های فرضی شاعر را نمایان می‌کنند و بر مفاهیم ذهنی و نمادهای محتوای نوشته‌ها دلالت می‌کنند. منزوی به‌عنوان یکی از شعرای مطرح در ادبیات معاصر تمایل بسیاری به تصویرسازی در اشعارش دارد. در این بخش به بررسی طیف رنگ‌های سرخ و سبز از رنگ‌های پربسامد در اشعار منزوی پرداخته شده است:

طیف رنگ سرخ

سرخ از جمله رنگ‌های اصلی است و بیانگر فعالیت عصبی و غددی و نیروی حیاتی است و معنای اشتیاق، میل و آرزو را دارد؛ یعنی محرک، اراده برای پیروزی و همه شکل‌های شور زندگی و قدرت (6).

سرخ رنگ جوانی، غرور، سرزندگی، اعتمادبه‌نفس بالا و حرارت است. این رنگ دارای اثرات عمیقی بر روی شخصیت انسان است و از نظر روحی و معنوی، نیروی شجاعت و اراده را تقویت می‌کند و بر ضعف قلب و بی‌ایمانی غلبه دارد (9) و ویژگی‌های اخلاقی مانند استقامت، سرسختی، خشم، شجاعت، بی‌باکی و هیجان را در ذهن تداعی می‌کند.

جدول (۱) طیف رنگ سرخ

ردیف	تعداد	غزل	چهارپاره	رباعی	پنج رباعی پیوسته	مثنوی	سپید	قصیده	آیینی	دیگر
سرخ	۸۵	۴۱	۲	-	-	۸	۲۲	۴	۷	۱
قرمز	۳	۱	-	-	-	-	۲	-	-	-
کهر	۱	-	-	-	-	-	۱	-	-	-
شرابی	۳	۱	۱	-	-	-	۱	-	-	-
ارغوانی	۶	۳	-	-	-	۱	۲	-	-	-
عنابی	۱	-	-	-	-	۱	-	-	-	-
شفق	۹	۵	-	-	-	-	-	۳	۱	-
حنایی	۱	-	-	-	-	۱	-	-	-	-
جمع کل	۱۰۹	۵۱	۳	-	-	۱۱	۲۸	۷	۸	۱
درصد سبک شعر	۱۰۰	۴۸٪	۲٪	۰٪	۰٪	۹٪	۲۵٪	۷٪	۸٪	۱٪

بررسی کتاب مجموعه اشعار حسین منزوی نشان داد که طیف رنگ سرخ به طور کلی ۱۰۹ بار تکرار شده است. این طیف رنگی بیشتر در غزل (۴۸٪) و بعد از آن در شعر سپید (۲۵٪) دیده می شود.

بیشترین بسامد این طیف رنگی را رنگ سرخ با ۸۵ تکرار در اشعار حسین منزوی دارد و ۲۶ بار به گل سرخ اختصاص دارد. منزوی در غزل های عاشقانه خود، گل سرخ را استعاره ای از معشوق خود آورده است. به عنوان نمونه:

باغ خزانی توام ای یار، که بی تو برگ و بار ندارد

وقتی تو نیستی، گل سرخم، تقویم من بهار ندارد

این سان که شب، سیاهی خود را، چون پيله ای تنیده به گردم

یک شاخه نور نیز ز خورشید، راهی در این حصار ندارد (10).

در این غزل، گل سرخ استعاره از معشوق است که در زیبایی، طراوت و نشاط با گل سرخ برابری می کند. در این غزل، شاعر خود را باغ خزانی دانسته که بدون وجود معشوق خویش، هیچ طراوت و شادابی ندارد. حسین منزوی در بیشتر این گونه غزل ها، خود را به باغ خزان زده ای تشبیه کرده که معشوق او همچون گل سرخ به آن نشاط و طراوت می بخشد:

آه ای همیشه گل که به سرخی در این خزان

گل کرده ای به باغچه بازوان من

در فترت ملال و سکوتی که داشتم

عشق تو طرفه حادثه ناگهان من

ای در فصول مرثیه و سوگ باز هم

شوقت نهاده قول و غزل بر زبان من (10).

در این قطعه شعر نیز معشوق شاعر همچون گل سرخ سبب نشاط و طراوت باغ خزان زده یا همان شاعر شده است و نشاط و شادمانی حاصل از حضور معشوق است که سبب ذوق و شاعری منزوی گشته است.

منزوی ۶ بار در اشعار خود از رنگ سرخ برای نشان دادن خون استفاده کرده است. به عنوان نمونه، در شعر آیینی «شب عاشورا در ستایش قمر بنی هاشم» آمده است:

می گفت: ای صحرای تب کرده!

گیرم که شب بی تاب خواهی بود

از جوی های سرخ خون، اما

فردا تو هم سیراب خواهی بود.

در این شعر، رنگ سرخ برای خون شهیدان کربلا در شب عاشورا به کار رفته است و اشاره به این شده که در روز عاشورا آن قدر خون از انسان های بی گناه ریخته خواهد شد که جوی های خون سرخ رنگ در صحرا جاری شود.

به عنوان نمونه ای دیگر استفاده منزوی از سرخ برای نشان دادن رنگ خون می توان به غزل زیر اشاره نمود:

از خون هزار لاله، بر بیرق بهاران

یادت اگر چه خاموش، کی می شود فراموش

نامت کتیبه ای شد بر سنگ روزگاران

هر عاشقی که جان داد، در باغ سروی افتاد

بر خاک و سرخ تر شد، خوناب جوی باران (10).

در این غزل، به سرخی خون شهیدان اشاره شده است. سرو نماد استقامت و پایداری در شرایط دشوار است و در اینجا اشاره شده با شهادت هر رزمنده، سروی از باغ (استعاره از ایران) خواهد افتاد و سیل خون سرخ جاری می شود.

منزوی ۶ بار از واژه سیب سرخ استفاده کرده است. سیب سمبل آگاهی، بینایی و معرفت است. او عشق خود را به سیب سرخ تشبیه کرده است:

عشق تو در قحط سال مهربانی، ناگهان

سیب سرخی را به دست شاخساران دیدن است

با تو بودن در پی هجران شماری های من

وصل پشت وصل، بعد از انتظاران دیدن است

از تو هر وقت فرصتی را وام کردن در مَثَل

خنده بر کنج دهان سوکواران دیدن است (10).

از دید منزوی، در دوره‌ای که مهربانی و عطوفت قحط آمده است، عشق معشوق او همچون سیب سرخی بر شاخه درختان دیده می‌شود و بعد از هجران‌های بسیاری که دیده، وصال به یار برای او امید و شادابی را به ارمغان آورده است.

رنگ شفق ۹ بار در اشعار منزوی استفاده شده است و بیشتر در کنار واژه خورشید و خون به کار رفته است. به‌عنوان نمونه:

ای شاهباز عاقل، پیش از طلوع کامل

خورشید را ندیدی در خون نشسته آیا؟

من عقل سرخم آری، خورشید اولینم

در لحظه شکفتن آغشته شفق‌ها (10).

لحظه طلوع خورشید همراه با شفق باعث خیال‌انگیزی و تصویرسازی مطلوبی در شعر شده است. در این شعر، منزوی به ستایش شیخ عارف زنجانی پرداخته و از اصطلاحات عرفانی بسیار استفاده نموده است. منظور از عقل سرخ در عرفان، موجودی است مستقل، زنده و دانا که واسطه بین پروردگار و عالمیان است و توسط اوست که خداوند عالم را می‌آفریند.

در غزل دیگری، منزوی برای ایجاد فضای رعب و وحشت از رنگ شفق مایل به سرخ استفاده نموده است:

شب می‌رسد از راه و شفق سرخ‌ترین است

وان ابر چنان لکه خورشید به جبین است

تا خون که نو شد؟ چه کسی را بفروشد

این بار یهودا؟ که شب بازپسین است (10).

یهودا، برادر حضرت یوسف و یکی از عاملان اصلی ربودن و به چاه انداختن او بود. در این شعر، منزوی فضای موجود در جامعه را طوری به تصویر کشیده که هر آن احتمال این می‌رود که فردی مانند یهودا برادر خویش را بفروشد و خونی از کسی ریخته شود.

آسمان شب در اینجا، ابری و دارای شفق بسیار سرخ نشان داده شده، فضای رعب‌آور و پر از خفقان است.

رنگ ارغوانی ۶ بار در اشعار منزوی تکرار شده است. رنگ ارغوانی، رنگی بین سرخ تیره و بنفش بوده و بیشتر به سرخ متمایل است. در بیشتر فرهنگ‌ها ارغوانی نماد نجابت و شرافت است. این رنگ شور و هیجان رنگ قرمز و آرامش رنگ آبی را به‌طور هم‌زمان دارد. در غزل زیر، منزوی از رنگ ارغوانی برای توصیف معشوق استفاده نموده است:

معشوقی از تیره منقرض گشته گل

با روحی از سبزه در هیأتی ارغوانی

تعبیر بیتی بلند از غزل‌های حافظ

مصدق نقشی بدیع از تصاویر مانی (10).

منزوی برای نشان دادن اصالت و نجابت معشوق، او را در هیأت ارغوانی توصیف کرده است. او را در پاکی به مانی و در کمال و بی‌نقص بودن به بیت‌های حافظ مانند کرده و در به‌طور کلی قصد دارد معشوق خود را به بهترین و کامل‌ترین شکل ممکن توصیف نماید.

رنگ شرابی با ۳ تکرار در اشعار منزوی برای نشان دادن رنگ گیسوی معشوق او آمده است. به‌عنوان نمونه، در چهارپاره «جز دوست» نمونه‌ای از این رنگ دیده می‌شود:

شد کارم آفتاب روشن دیدن را

در خنده آفتابی‌ات دیدن

مستی را، نشئه را، رهایی را

در گیسوی شرابی‌ات دیدن (10).

شاعر روشنی را در خنده‌های معشوق می‌بیند و رنگ شرابی موه‌های معشوق، منزوی را مست می‌گرداند.

رنگ قرمز در شعر منزوی ۳ بار تکرار شده که دو بار برای رنگ خون و یک بار برای قرمز رنگ انگور به کار رفته است. برای

نمونه، در غزل زیر منزوی از قرمزی برای نشان دادن رنگ خون استفاده کرده است:

از کف و کفن گرفته‌اند، رنگ‌های من سفید را
رنگ خون مرده‌اند، اگر قرمزند و ارغوانی‌اند.

در اینجا از رنگ قرمز برای نشان دادن سرخی خون (10).

رنگ عنابی حس اعتماد، اطمینان و امنیت را در فرد ایجاد می‌کند و منزوی ۱ بار از رنگ عنابی در مثنوی خود برای توصیف دستانش استفاده کرده است:

گویی این دست‌ها نه زان من‌اند

نه مرا پاره‌هایی از بدن‌اند

بدنی که کشیده تا اینجا

بار سنگین و سخت عمر مرا

عمری از سال‌های من سنگین

همه از یاد‌های من رنگین

سبز و سرخ و طلایی و آبی

ارغوانی، کبود، عنابی

سرد و گرم و خرابه و گلشن

تلخ و شیرین و سایه و روشن (10).

در این مثنوی، شاعر اشاره به دستان پیری دارد که سختی و رنج سال‌ها را به دوش کشیده و اکنون در هر جای این دست اثری از روزگار سخت با رنگ‌های مختلف سبز، سرخ، طلایی، آبی، ارغوانی، کبود و عنابی جا گرفته است. هر کدام از این رنگ‌ها اشاره به موفقیت‌ها و شکست‌های شاعر دارد که در طول زندگی خود متحمل گشته و پستی‌ها و بلندی‌هایی که طی نموده است.

رنگ کهر رنگی بین سرخ و قهوه‌ای است که تنها برای اسب‌ها به کار می‌رود که تنها ۱ بار منزوی در شعر سپید «از کهر با و کافور» از آن استفاده کرده است:

با چشم کهربایی کم‌رنگش

کاهل‌وار

همزاد من، اسب کهر

به باغ درآمد

از شیهه‌اش که انگار

تشویش‌های اسطوره را

با اضطراب عصر

می‌آمیخت (10).

در این شعر، اسب کهر که نماد اصالت، شجاعت، استقامت، آزادی و روح است، بر اثر فضای اضطراب‌آور در جامعه مشوش شده و شیهه می‌کشد.

رنگ سرخ حنایی تنها ۱ بار در شعر منزوی استفاده شده است:

میدان! سراچه! کوی! خیابان!

دریا! کویر! باغ! بیابان!

چون رنگ جام‌های به ظاهر

با رنگ جامه‌ها متغیر

گاهی به رنگ سرخ حنایی!

گاهی به رنگ زرد طلایی! (10).

رنگ حنایی رنگ خاک است، ساده، گرم، مادرانه؛ اما هر چه به رنگ سرخی نزدیک‌تر می‌شود میزان هیجان و شور آن بیشتر می‌گردد. سرخ حنایی بودن میدان، کوچه‌باغ و دریا برای نمایش شور و هیجانی است که جامعه را فراگرفته است.

طیف رنگ سبز

رنگ سبز از ترکیب زرد و آبی پدید می‌آید. افراد متمایل به رنگ سبز دارای شخصیتی سالم، پویا و به دور از گرایش‌های روان‌رنجوری هستند. تیپ شخصیتی سبز در عملکردشان احساسی و شهودی هستند. کارکرد اصلی ذهن آن‌ها در نیمکره راست مغزشان قرار دارد. در بیان نظر و رأی خود راحت هستند. به دنبال تأیید و روابط اجتماعی انرژی‌زا هستند (6). این رنگ مفهوم مثبت‌اندیشی و امید را به ذهن القا می‌کند.

رنگ است. این رنگ هیچ انعکاسی از شادابی، رنج و یا ترس ندارد، بلکه با آرامش و سکون همراه است، اما اگر به آن مقداری رنگ زرد اضافه شود، زنده می‌گردد. رنگ سبز مظهر حس زندگی و تعادل است.

این رنگ نشانه طبیعت و تعادل است. افرادی که این رنگ را دوست دارند تقریباً بدون استثناء سازگار با اجتماع، با فرهنگ و سنت‌گرا هستند. این افراد شهروندان خوب و استوار دنیا هستند و بی‌تکلف زندگی می‌کنند. همچنین این رنگ نشان‌دهنده ارضاء، آرامش و امیدواری است (6). رنگ سبز مطلق، آرام‌بخش‌ترین

جدول (۲) طیف رنگ سبز

ردیف	تعداد	غزل	چهارپاره	مثنوی	سپید	قصیده	آیینی	دیگر
سبز	۵۹	۳۴	۱	۶	۱۴	-	۳	۱
زمردی	۱	-	-	-	-	-	۱	-
میشی	۳	۲	-	-	۱	-	-	-
زیتونی	۱	۱	-	-	-	-	-	-
جلبکی	۱	-	-	-	۱	-	-	-
جمع کل	۶۵	۳۷	۱	۶	۱۶	-	۳	۱
درصد	۱۰۰	۵۶٪	۶٪	۱۱٪	۲۴٪	۰٪	۵٪	۶٪

منزوی قبل از معشوق خود را درخت خشک و بی‌جوانه می‌دانست که با آمدن معشوق طراوت، نشاط و تازگی یافته و چون درختی سبز شده است.

منزوی همیشه برای معشوق خود سبزی و طراوت را می‌خواهد و از او جز این انتظاری ندارد:

من از تو سرو عزیزم، ثمر نمی‌خواهم
که غیر سایه‌ای از تو، به سر نمی‌خواهم
بخیل نیستم اما برای هیچ درخت
اگر تو سبز نباشی، ثمر نمی‌خواهم (10).

سرو، نماد همیشه سبز و استوار بودن و استقامت، به‌ویژه در شرایط سخت، است که منزوی آن را به معشوق نسبت داده و معشوق را همیشه سبز و پایدار می‌خواهد.

۱۱ بار رنگ سبز در شعر مقاومت مورد استفاده قرار گرفته است و برای نشان دادن پاکی شهدا، مقاومت و وطن مورد استفاده قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه، در مثنوی «فرهاد» از این رنگ برای نشان دادن قداست شهید استفاده شده است:

بررسی کتاب مجموعه اشعار حسین منزوی نشان داد که طیف رنگ سبز به‌طور کلی ۶۵ بار تکرار شده است و بیشترین بسامد این طیف رنگی در نوع غزل با ۳۷ تکرار است و پس از آن شعر سپید با ۱۶ بار تکرار، مثنوی ۶ بار، آیینی ۳ بار، چهار بار و دیگر نوع ۱ بار بوده است.

در طیف رنگ سبز، واژه سبز با ۵۹ تکرار بیشترین بسامد را داشته است. رنگ سبز نماد طبیعت، رشد، زندگی، صلح، آرامش، محبت، وفاداری، پول و ثروت است. ۲۴ بار منزوی در اشعار عاشقانه از رنگ سبز برای نشان دادن طراوت و صلح میان خود و معشوق استفاده کرده است. به‌عنوان نمونه:

سبزم آن‌چنان که باورم نمی‌شود
من همان درخت خشک بی‌جوانه‌ام
سبزی من از تو، از تو جاودانه شد
ای بهارم! ای بهار جاودانه‌ام! (10).

تا خورد به ریشه تیشه در باد

غلطید به خون خویش فرهاد

پیراهن سبز فرق خون شد

وان سرو خجسته سرنگون شد (10).

پیراهن سبز در اینجا نمادی از پاکی و قداست پیکر شهید است.

سرو به عنوان نماد سرسبزی و استقامت فرو می افتد که مفهوم این

مصراع، پایان یافتن زندگی فرهاد است.

منزوی ۳ بار از رنگ میشی و تنها برای توصیف رنگ چشمان

استفاده نموده که ۲ بار در غزل و یک بار در شعر سپید مورد

استفاده قرار گرفته است. به عنوان نمونه، در شعر سپید «مرثیه

چشم های میشی» به رنگ میشی این گونه پرداخته شده است:

تماشای بوی شور خون

در رقص منتشر گرگ ها

با حوصله چشم های میشی ات

نمی خواند (10).

رنگ میشی نماد اعتماد و مهربانی است و در اینجا به رزمنده ای

نسبت داده شده که با داشتن چشمانی میشی و ظاهری مهربان و با

آرامش، در برابر دشمنان بی رحم و گرگ صفت ایستاده است.

رنگ زمردی، الهام بخش و نشاط آور است و نماد فراوانی و ثروت

در همه ابعاد است و تنها ۱ بار در شعر آیینی «تماشای ایزدی» دیده

شد:

تو اصل وصل و فصلی و بی حکمت نبود

پاییز کهربا و بهار زمردی (10).

در این شعر، منزوی به ستایش خداوند پرداخته و حکمت خداوند

را در تمام پدیده های هستی دانسته و از نظر او کهربایی بودن رنگ

پاییز و زمردین بودن رنگ بهار حکمت خداوند است.

زیتونی، رنگی بین سبز و زرد است و نماد صلح، آشتی و آرامش

است و منزوی ۱ بار در غزل از آن برای نشان دادن نگاه معشوق

استفاده نموده است:

جنگ با من و آن هم مثل دشمن خونی

پیک صلح بودی تو، ای نگاه زیتونی!

بر منی هنوز اما جز تو جان پناهم نیست

رو به من که می تازد، غربت شبیخونی (10).

منزوی از معشوق گلایه مند است که چرا با او سر جنگ دارد.

معشوقی که در گذشته همواره به دنبال صلح بوده، حالا به دشمن

خونی او تبدیل شده است. منزوی همچنان او را جان پناهی می داند

برای گذر از دردها و رنج ها به آن پناه می برد. رنگ زیتونی در این

شعر نماد صلح و دوستی است.

رنگ جلبیکی در اشعار منزوی ۱ بار برای توصیف موهای معشوق

به کار رفته است:

با گیسوان جلبیکی ات

می پراکنی

در باغ

عطر هزار خاطره دریایی را (10).

موهای معشوق برای شاعر مظهري از آرامش، صلح، رشد و زندگی

است که به صورت جلبیکی نشان داده شده است.

بحث و نتیجه گیری

حسین منزوی از جمله برجسته ترین شاعران و ادیبان معاصر به

شمار می آید که هم در سرودن قالب های کلاسیک همچون غزل

تبحر فراوانی داشت و هم به گفتن شعر در سبک های مدرن نیمایی

و سپید اهتمام می ورزید. به اعتقاد بسیاری از شعرای هم عصرش،

منزوی توانست تحول جدیدی در غزل سرایی معاصر به وجود

بیاورد. شهرت منزوی را نمی توان با ویژگی های شخصیتی او بیگانه

دانست. او فردی گوشه گیر بود که جز محافل ادبی تهران، آن هم

تنها در دوره جوانی و تا اواخر دهه ۵۰، جای دیگری مجلس

نمی رفت. مضمون بسیاری از اشعار او عشق همراه با درد و رنج

بود و همچنین بسیاری از مضامین اجتماعی و سیاسی نیز در اشعار

او دیده می شود که البته بسامد کمتری دارند. هدف از پژوهش

حاضر، بررسی کارکرد معنایی رنگ سرخ و سبز در اشعار حسین منزوی بود.

به طور کلی، رنگ سرخ رنگی گرم است و زیرمجموعه‌های این طیف رنگی اعم از سرخ، قرمز، شرابی، ارغوانی، عنابی، شفق وحنایی، نمادی از انرژی، شادی، شور، حساسی، جنگ، قدرت، خون، اشتیاق و عشق است. این طیف رنگ در اشعار منزوی ۱۰۹ بار تکرار شده است و این بسامد نسبت به رنگ‌های دیگر از گروه رنگ‌های فامی، بالا است و ناشی از شور و حرارتی است که منزوی قصد دارد از طریق اشعار به خواننده منتقل کند که بیشتر در غزل‌های عاشقانه او دیده می‌شود. در غزل‌های عاشقانه منزوی، رنگ‌های سرخ، قرمز، ارغوانی و شرابی برای توصیف معشوق استفاده کرده که هدف از آن بیان شور، اشتیاق و عشقی است که منزوی نسبت به معشوق خویش دارد و البته در شعر هم منعکس شده است. همچنین از رنگ سرخ و قرمز برای نشان دادن خون شهدا استفاده شده که بیشتر در اشعار آیینی و سپید در حوزه مقاومت به چشم می‌خورد.

رنگ سبز نماد طبیعت، حیات و سرزندگی است. این رنگ از ترکیب زرد و آبی به دست می‌آید و از لحاظ روان‌شناسی آرامش and recurrence of specific colors can reveal significant aspects of the poet's worldview, emotional tendencies, and aesthetic preferences. Colors are not merely decorative linguistic elements; rather, they can function as semantic signs through which abstract experiences, psychological states, emotional conflicts, and cultural associations become perceptible. The symbolic significance of colors is also closely related to cultural context, historical experience, and the relation between human beings and the natural world (1). Contemporary poets, in particular, frequently employ color both for its immediate

رنگ آبی و خوش‌بینی رنگ زرد را منتقل می‌کند. سبز نمایانگر زندگی و رشد است و آرامش‌دهنده‌ترین طیف رنگی محسوب می‌شود. اشعار منزوی به طور کلی طیف رنگ سبز ۶۵ بار به کار رفته و بیشترین بسامد را در نوع غزل دارد. اقسام رنگی آن عبارت‌اند از: سبز، زمردی، میشی، زیتونی، جلبکی. منزوی از رنگ سبز در برخی از اشعار برای نشان دادن طراوت، سرزندگی و پاکی معشوق استفاده کرده است و نیز هرگاه خواسته صلح میان خود و معشوق را نشان دهد این رنگ را به اشکال مختلف مورد استفاده قرار داده است. در اشعار آیینی و مقاومت نیز برای توصیف پاکی و قداست ائمه، شهدا و عرفا استفاده نموده است. در برخی از اشعار نیز رنگ سبز برای توصیف طبیعت و فضای طبیعی و شاعرانه و بانشاط به کار رفته است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Color is one of the most prominent components of sensory perception and has always occupied an important position in artistic creation, particularly in literary imagery. As a visual phenomenon, color extends across the natural world, but within literature it acquires functions that go beyond direct visual description and becomes capable of transmitting emotional, symbolic, psychological, and cultural meanings. In poetry, where the selection of each word contributes to the construction of the poet's imaginative and semantic world, the choice

sensory beauty and for its symbolic capacity to represent meanings that cannot always be expressed directly. Such uses allow the poet to transform subjective experience into concrete imagery and to intensify the emotional impact of poetic language. In this respect, color terminology may serve as an important instrument for the psychological and stylistic analysis of poetry because repeated preferences for particular colors may reflect stable emotional or imaginative orientations (3). The increasing significance of color in modern Persian poetry can also be related to the heightened attention of contemporary poets to visual imagery and to the psychological effects associated with different colors (2). Hossein Monzavi, one of the major contemporary Persian poets and an important renovator of the modern ghazal, makes extensive and varied use of color imagery. His poetry, especially his lyrical, ritual, resistance, and free-verse compositions, demonstrates a sustained interest in visual representation and symbolic coloration. The present study therefore aimed to investigate the semantic functions of the red and green color spectra in Monzavi's poetry and to determine how these two major chromatic fields contribute to the construction of emotional, symbolic, religious, social, and natural imagery in his works.

The study employed a descriptive-analytical method. The data were collected through systematic note-taking from the published collected poems of Hossein Monzavi and were subsequently classified and analyzed

according to color category, poetic form, frequency, semantic context, and symbolic function. The analysis focused specifically on the red and green spectra because these colors display considerable recurrence and semantic diversity in Monzavi's poetry. In interpreting their functions, the study drew on concepts from color psychology, symbolic interpretation, and literary analysis. The theoretical premise is that colors can serve as indicators of psychological tendencies and can participate in the formation of literary images by linking sensory perception to the poet's inner world. From a psychological perspective, colors may influence emotional responses, perception, and symbolic association, and their literary use may therefore reveal meaningful correspondences between external imagery and internal experience (6). In the history of artistic and cultural expression, colors have repeatedly functioned as symbolic systems through which societies communicate ideas, values, beliefs, emotions, and distinctions. The symbolic interpretation of a color is rarely fixed, since it can change according to context, cultural convention, and the relationship between the color and surrounding imagery (5). The significance of this approach becomes particularly evident in the poetry of Monzavi, whose poetic language repeatedly integrates emotion, nature, love, social experience, spirituality, and resistance. His frequent use of color is thus not reducible to visual ornamentation. Instead, it frequently participates in the semantic organization of the

poem. Earlier research on color in modern Persian poetry has likewise demonstrated that color frequency and color symbolism can contribute to the interpretation of a poet's emotional condition and imaginative patterns (8). Monzavi's poetry provides a particularly productive field for such analysis because of the interaction between classical lyrical structures and modern imagery in his work, as well as his tendency to employ recurrent natural and chromatic motifs in representing the beloved, the self, society, and sacred experience.

The findings regarding the red spectrum indicate that this group is quantitatively and semantically more prominent than the green spectrum in Monzavi's poetry. The red spectrum occurred 109 times and included such terms as red, crimson, sorrel, wine-colored, purple, jujube-colored, twilight, and henna-red. The greatest concentration occurred in ghazals, followed by free verse, while smaller frequencies appeared in ritual poetry, qasidas, quatrains, and other poetic forms. Among all terms in this spectrum, the word "red" had the highest frequency, occurring 85 times. This predominance is consistent with the psychological and symbolic associations of red with energy, vitality, desire, excitement, passion, will, struggle, and emotional intensity (6). Red can also evoke courage, endurance, self-confidence, excitement, and forceful emotional expression (9). In Monzavi's romantic ghazals, red frequently appears in descriptions of the

beloved and in images expressing longing, passion, vitality, and the desire for union. The red flower, particularly the red rose, repeatedly functions as a metaphor for the beloved. In these poems, the beloved is associated with freshness, beauty, vitality, and the regenerative power of spring, whereas the lyrical self is often represented through autumnal or desolate imagery. The contrast between the red flower and the autumnal garden therefore becomes a structural metaphor for the emotional dependence of the poet on the presence of the beloved (10). Red also appears in images such as the red apple, where it is connected with hope, love, renewal, and the rediscovery of vitality after deprivation. In such contexts, the color does not merely describe the object but intensifies its affective function and transforms it into a symbolic concentration of desire and emotional recovery. Similarly, wine-colored and purple imagery is used in descriptions of the beloved's hair or appearance, where red-related shades communicate attraction, nobility, beauty, and emotional intoxication. The symbolic richness of red in these passages demonstrates the extent to which Monzavi employs chromatic vocabulary to fuse sensual imagery with emotional and psychological meaning.

A second major function of the red spectrum is associated with blood, martyrdom, conflict, resistance, and religious imagery. Monzavi uses red repeatedly in ritual and resistance poetry to signify bloodshed, sacrifice, and the

violent dimensions of collective historical experience. In poems related to Ashura and the martyrs of Karbala, red is directly associated with the blood of the innocent and thus acquires a sacred and tragic dimension (10). The same symbolic association appears in resistance poetry, where the redness of blood is linked with the sacrifice of combatants and with images of national endurance. In these poems, the color red often interacts with traditional symbols such as the cypress, which signifies steadfastness, dignity, and resistance. The resulting image frequently presents the martyr as a fallen cypress whose blood transforms the surrounding landscape, thereby connecting personal sacrifice with collective identity and historical memory. Twilight is another important component of the red spectrum. It appears nine times and often accompanies images of the sun and blood. In some mystical poems, the reddish twilight contributes to visionary and metaphysical imagery, while in other poems it creates an atmosphere of fear, uncertainty, violence, or impending betrayal. The color of twilight thus shifts between spiritual illumination and threatening redness according to context. This flexibility demonstrates that Monzavi does not use color according to a single stable symbolic code; rather, he activates different semantic possibilities of the same spectrum according to poetic situation. Purple is similarly associated with nobility and distinction and is used in descriptions of the beloved, while sorrel and henna-red appear more rarely and perform

more localized descriptive functions. Across these examples, the red spectrum becomes a highly dynamic semantic field capable of expressing erotic passion, mystical intensity, danger, resistance, sacrifice, vitality, and social anxiety. Such multiplicity confirms that the function of color in Monzavi's poetry is both psychological and contextual, and that color meaning emerges through interaction with the surrounding poetic image rather than through isolated lexical symbolism.

The green spectrum, with a total frequency of 65 occurrences, constitutes the second major chromatic field examined in this study. It includes green, emerald, hazel, olive, and algae-green, with "green" itself occurring 59 times. The highest frequency of this spectrum appears in the ghazal, followed by free verse, masnavi, ritual poetry, and other forms. Green traditionally conveys meanings related to nature, balance, tranquility, hope, growth, renewal, and life, and its psychological associations often include calmness, stability, and positive orientation (6). In Monzavi's love poetry, green frequently represents the vitality produced by the beloved's presence. The poet may depict himself as a dry and leafless tree that becomes green through love, thereby using color to dramatize the transformation from emotional sterility to renewal (10). The beloved thus assumes a regenerative role comparable to spring, and greenness becomes a sign of emotional resurrection, continuity, and hope. In other ghazals, the beloved is represented through the cypress,

an enduring symbol of uprightness, beauty, constancy, and evergreen vitality. The poet's desire for the beloved's continued "greenness" expresses a wish for permanence, flourishing, and relational continuity. Green also appears in poems of resistance and religious devotion, where it is associated with purity, sanctity, martyrdom, and spiritual dignity. In these contexts, green clothing or green natural imagery can signal the sacred status of the martyr or the spiritual purity of religious figures. The emerald shade is similarly associated with spring, divine wisdom, abundance, and the vitality of creation. Olive green is used as a symbol of peace and reconciliation, particularly in the description of the beloved's gaze, where its peaceful connotations contrast with conflict and estrangement. The algae-green shade, although rare, is used in a sensual natural image describing the beloved's hair, where it evokes marine memory, nature, tranquility, and organic life. These examples show that the green spectrum in Monzavi's poetry is strongly oriented toward the semantic domains of life, nature, peace, love, sacredness, endurance, and renewal. The symbolic function of green therefore complements the red spectrum: whereas red frequently intensifies passion, blood, struggle, and emotional heat, green frequently restores balance through associations with peace, growth, hope, and regeneration.

In conclusion, the study demonstrates that the red and green color spectra play central but

distinct semantic roles in Hossein Monzavi's poetry. The red spectrum is quantitatively more frequent and is characterized by greater emotional intensity. Its 109 occurrences are distributed across several poetic forms, especially the ghazal and free verse, and its semantic functions include passion, love, desire, vitality, blood, martyrdom, conflict, resistance, nobility, anxiety, and mystical intensity. In Monzavi's romantic poetry, red-related imagery is frequently concentrated around the figure of the beloved and functions as an expression of longing, beauty, emotional excitement, and the desire for union. In ritual and resistance poetry, however, the same spectrum shifts toward blood, sacrifice, martyrdom, collective suffering, and historical struggle. The green spectrum, occurring 65 times, is more closely connected with nature, life, growth, freshness, peace, tranquility, loyalty, purity, sacredness, and renewal. Its strongest presence is also found in the ghazal, where it often symbolizes the restorative effect of the beloved upon the poet's emotional world. In religious and resistance poetry, green acquires additional associations with sanctity, martyrdom, and spiritual purity, while in natural imagery it contributes to the construction of serene, vital, and hopeful landscapes. The comparative analysis of the two spectra shows that Monzavi's use of color is neither incidental nor merely descriptive. Rather, chromatic vocabulary functions as an organizing mechanism of poetic meaning and contributes to the representation of his emotional

experience, symbolic imagination, religious concerns, social perceptions, and relationship with nature. Red and green together create a productive semantic opposition between intensity and tranquility, blood and renewal, passion and peace, destruction and growth. Through these contrasts, Monzavi expands the expressive capacity of color and integrates visual perception into the deeper symbolic structure of his poetry.

References

1. Chijiwa H. Color Harmony. 1st ed. Javadzadeh H, editor. Mashhad: Taraneh; 2012.
2. Seifi T, Ansari N. Symbolic Connotations of the Color Green in the Poetry of Abd al-Mu'ti Hijazi. *Journal of Arabic Language and Literature*. 2010(2).
3. Panahi M. Color Psychology in Nima's Poetry. *Literary Research Quarterly*. 2006;3(12):12-3.
4. Ghorbani J. Collected Poems of Hossein Monzavi. *Hafez Magazine*. 2007(47).
5. Forouzani Khoub M, Banjoui M. Examining the Concept of Color from Three Approaches: Degree of Influence, Modes of Expressing Concepts, and Symbolic and Abstract Meanings of Colors. *Conference on Research in Islamic and Historical Architecture and Urban Planning of Iran 2020*.
6. Lüscher M. The Psychology of Color. 11th ed. Abizadeh V, editor. Tehran: Dorsa; 2013.
7. Wittgenstein L. Remarks on Colour. 4th ed. Golestan L, editor. Tehran: Markaz Publishing; 2005.
8. Ghasemzadeh SA, Nikoubakht N. Color Psychology in the Poetry of Sohrab Sepehri. *Literary Research Quarterly*. 2022(2).
9. Hunt R. Seven Keys to Color Therapy. Tehran: Jamal al-Haq; 1999.
10. Monzavi H. Hossein Monzavi: Collected Poems. Fathi M, editor. Tehran: Negah Publishing Institute; 2010.